# درس ۲۶

| ۱ | دعا |
|---|---|

**سرگروه:** دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

| ۲ | در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)<br>لوقا |
|---|---|

**به نوبت** و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ٤: ۳۱- ۷: ۵۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

| ۳ | حفظ کردن (۵ دقیقه)<br>عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی |
|---|---|

**مرور:** دو نفری مرور کنید. محبت و هدایت: افسسیان ۵: ۲۳، ۲۵

| ٤ | بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)<br>یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ |
|---|---|

**مقدمه:** یوحنا فصل ۱۱ (یوحنا ۱۰: ٤۰- ۱۱: ۵۷) خدمت عیسی مسیح در پیریه را توصیف می‌کند که از ماه دسامبر سال ۲۹ تا ماه آوریل سال ۳۰ میلادی را در بر می‌گیرد (چهارماه). در یوحنا ۱۱: ۱- ٤٤ ، عیسی از آنطرف رود اردن به بیت عنیا واقع در مجاورت اورشلیم سفر می‌کند تا ایلعازر مرده را برخیزاند.
یوحنا ۱۱: ٤۵- ٤۷ نیز اجتماع رهبران یهودی شورای سنهدرین را توصیف می‌کند که در صدد کشتن عیسی بودند.

**قدم ۱: بخوانید**
**بخوانید:** یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

**قدم ۲: کشف کنید**
**توجه کنید:** چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
**بنویسید:** یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

**کشف ۱)** در یوحنا ۱۱: ۹- ۱۰ در رابطه با زمانی که خدا مقرر می‌کند تا وظیفه الهی را که به من واگذار کرده به تحقق برساند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. شاگردان به شرایط نگاه کردند و به عیسی هشدار دادند که به یهودیه بازنگردد، زیرا در آنجا یهودیان قصد داشتند او را بکشند. ولی عیسی در پاسخ آنها گفت که در طول روز، تا مدت زمان مشخصی نور

وجود دارد. انسان باید مادام که هنوز روز است و نور وجود دارد راه برود. منظور عیسی این بود که خدا مدت زمان مشخصی را در اختیار او نهاده است تا کار خدا را بر روی زمین به اتمام رساند. این زمان بواسطه تلاش شاگردان طولانی‌تر نمی‌شود و با نقشه قتل عیسی توسط دشمنانش کوتاه‌تر نیز نخواهد شد. خدا، خدایی قادر مطلق است و هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مدت زمان مشخصی را که او در اختیار هر کس نهاده است تغییر دهد. خدای پدر برای من نیز مدت زمان مشخصی را مقرر داشته تا در این مدت بر روی زمین زندگی کنم و کاری را که او به من سپرده است به انجام برسانم. تا زمانیکه من در نور نقشه خدا راه بروم، هیچ کس و هیچ وضعیتی نمی‌تواند در من خوف و نگرانی ایجاد کند. بنابراین هیچ گزندی به من نخواهد رسید و هیچگاه شکست نخواهم خورد. براستی که چه اطمینان‌بخش است که می‌دانیم خدا بر تخت قدرتمند خود نشسته و بر تمام انسانها و شرایط احاطه دارد.

**کشف ۲)** در یوحنا ۱۱: ۳۳-۳۵ در این مورد که عیسی چگونه در روح مکدر و آشفته شد، برای من حقیقت مهمی وجود دارد. وقتی عیسی، مریم و یهودیانی را که به خاطر مرگ ایلعازر گریان بودند، دید: "در روح خود به شدت مکدر شده مضطرب گشت".

الف) اصطلاح " به شدت مکدر شدن" به مفهوم "مانند اسب خرناس کشیدن" یا "عصبانی شدن و عدم رضایت" است. عیسی با دیدن مردمی که در رنج و سختی بودند خشمگین می‌شد. چرا؟ او به خاطر وجود گناه خشمگین می‌شد، زیرا گناه عاملی اصلی تمام رنجها، غمها و مرگ است. ولی عیسی به شدت در روح خود مکدر شد. این جمله بیشتر بیانگر حس همدردی است تا خشم. بنابراین اصطلاح "به شدت مکدر شدن" بیشتر به "حس عمیق همدردی با انسانهایی که در رنج و سختی هستند" اشاره دارد.

ب) معنی اصطلاح " مضطرب گشتن"، " لرزش یا تکان خوردن" است. این اصطلاح در یوحنا ۱۲: ۲۷، بیانگر منقلب شدن و اضطرابی درونی است؛ یا به عبارت دیگر " آشفتگی و تلاطمی قابل رؤیت در نتیجه اضطرابی درونی". وقتی عیسی رنج و درد انسانهای دیگر را می‌دید، خود نیز به طرزی قابل رؤیت متلاطم و آشفته می‌شد.
این دو اصطلاح بر روی هم به این مفهوم هستند که عیسی در عین حال که به خاطر وجود گناه که عامل تمام غمها و رنجهای بشر است خشمگین بود، با دیدن انسانهای رنجدیده در روح مکدر می‌شد و با آنها همدردی می‌کرد. عیسی حتی گریست. اشکهای او بیانگر حس همدردی و محبت او برای انسانهای رنجدیده بود. من هم مایلم که مانند عیسی چنین احساسی داشته باشم. من می‌خواهم به خاطر وجود گناه خشمگین باشم، ولی در عین حال با مردمی که در نتیجه وجود گناه در رنج و سختی هستند، همدردی کنم.

**قدم ۳: سؤال**
**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
**بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
**درمیان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

**سؤال ۱)** (یوحنا ۱۱: ۱۲- ۱۳). مسیحیان مرگ و قیام را چگونه تلقی می‌کنند؟
**ملاحظات:**
الف) ارواح مردگان در اطراف خانه یا قبور پرسه نمی‌زنند.
کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که ارواح مردگان در اطراف خانه‌ای که زمانی در آن زندگی می‌کرده‌اند یا قبرهایی که بدنهایشان در آنجا گذاشته شده است، پرسه نمی‌زنند. به همین دلیل است که مسیحیان از ارواح مردگان ترسی ندارند و آنها را در هیچ مکانی، چه در خانه، معابد، مقبره‌ها و یا اماکن دیگر عبادت نمی‌کنند. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که پس از مرگ، جانهای انسانهای مرده بلافاصله به بهشت یا جهنم منتقل می‌شوند. بر طبق فیلیپیان ۱: ۲۳، مرگ مسیحیان "رحلت از این جهان است به منظور بودن با مسیح".

ب) در کتاب‌مقدس "مرگ" غالباً به "خواب" تشبیه شده است.
به عنوان مثال، در متی ۲۷: ۵۲ نوشته شده است که: " بسیاری از بدنهای مقدسین که آرامیده بودند برخاستند". این تشبیه بر این حقیقت دلالت دارد که در آن سوی خواب، بیداری پرجلالی وجود خواهد داشت. بیدار شدن از خواب مرگ، در کتاب‌مقدس قیامت نامیده می‌شود. هنگامی که عیسی گفت: "دوست ما ایلعازر در خواب است"، منظور او این بود که: "ایلعازر مرده است ولی بدن او از میان مردگان برخیزانده خواهد شد.".

پ) روح يك شخص مرده از اتفاقاتی که در این جهان می‌گذرد آگاهی ندارد.
اگرچه مرگ به خواب تشبیه شده است، کتاب‌مقدس تعلیم نمی‌دهد که روح يك شخص مرده به طور مطلق در خواب است و از هیچ واقعه‌ای آگاهی ندارد. روح يك شخص مرده تنها از وقایع جهان مادی که از آن رحلت کرده ناآگاه است. بر طبق اشعیا ٦٣: ١٦، ارواح مردگانی چون ابراهیم و یعقوب، قادر به دیدن و شناختن انسانهای روی زمین نیستند. بر طبق جامعه ٩: ٦- ١٠، انسانهای مرده "از هیچ چیزی آگاهی ندارند" و "آنها دیگر هیچگاه در وقایع روی زمین نصیبی نخواهند داشت". بر طبق لوقا ١٦: ٢٣- ٣١، اگرچه مرد ثروتمندی که مرده بود به پنج برادرش که هنوز بر زمین بودند فکر می‌کرد، اما اطلاعی از وضعیت آنها نداشت و همچنین قادر نبود با آنها ارتباط برقرار کند. ارواح انسانهای مرده از وقایع روی زمین هیچ آگاهی ندارند و قادر نیستند با انسانهای روی زمین ارتباط برقرار کنند. آنها نمی‌توانند بر روی انسانهای روی زمین هیچ گونه نفوذی داشته باشند و یا در رابطه با وقایع روی زمین برنامه‌ریزی کنند. واقعه‌ای که در اول سموئیل فصل ٢٨ عنوان شده است، تقلیدی است جعلی از يك روح شریر.

ت) روح يك شخص مرده کاملاً از بهشت یا جهنم آگاه است.
در لوقا ١٦: ٢٣- ٣١، می‌خوانیم که ارواح مردگان در خواب نیستند، بلکه کاملاً بیدارند. آنها کاملاً از سرنوشت ابدی خود، یعنی رنج کشیدن در جهنم یا آرامش در بهشت، آگاهند. جانهای مسیحیانی که مرده‌اند کاملاً از جهانی که بدان رفته‌اند آگاه و هوشیارند. آنها از حضور خدا و مسیح و انسانهایی چون ابراهیم که در بهشت هستند، آگاهی دارند. آنها در حضور خدا زیست خواهند کرد، با خدا صحبت خواهند کرد و او را عبادت و خدمت خواهند نمود.

**سؤال ٢)** (یوحنا ١١: ٢٥- ٢٦). منظور عیسی چیست که می‌گوید، يك مسیحی هیچوقت نمی‌میرد؟
**ملاحظات:** عیسی در آیات ٢٥- ٢٦ می‌فرماید: "من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر که زنده بود و به من ایمان آورد تا به ابد نخواهد مرد".

الف) عیسی می‌فرماید: "من قیامت و حیات هستم". این جمله به این مفهوم است که قیامت از مردگان بطرزی انفکاک‌ناپذیر در گرو عیسی‌مسیح است. این جمله را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: "عیسی قیامت و حیات است"، بدین معنا که قیامت و حیات ریشه در مسیح دارد. با توجه به اینکه مسیح خود از میان مردگان برخاسته است و تا ابد زیست خواهد کرد، مسیحیان نیز از میان مردگان برخیزانده شده، تا ابد زیست خواهند کرد. عیسی منشأ قیامت از مردگان و حیات غیرفانی است. قیامت در وهله اول قرار دارد زیرا به منزله دروازه‌ای است که راه را برای دریافت حیاتی ابدی و غیرفانی مهیا می‌کند. عیسی پس از قیامت از میان مردگان، دارای بدنی غیرفانی شده است و مسیحیان نیز می‌توانند در این حیات غیرفانی نصیبی داشته باشند.

ب) عیسی می‌فرماید: "هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد." وقتی ایلعازر سخت بیمار شد، خواهرانش کسی را نزد عیسی فرستادند تا او را از این موضوع مطلع سازد. در آیه ٤ عیسی فرمود: "این مرض تا به موت نیست بلکه برای جلال خدا تا پسر خدا از آن جلال یابد." عیسی بلافاصله نرفت تا ایلعازر را شفا دهد، بلکه وقتی به بیت عنیا رسید ٤ روز از مرگ ایلعازر می‌گذشت و بدن او در قبر بود. در آیات ٢١- ٢٢ مرتا به عیسی گفت: "ای آقا اگر در اینجا می‌بودی، برادر من نمی‌مرد. و لیکن الآن نیز می‌دانم که هر چه از خدا طلب کنی خدا آن را به تو خواهد داد". سخن مرتا از سر خشم و برای ملامت کردن عیسی نبود، بلکه بیانگر غم و اندوه جانکاه او بود. او می‌دانست که عیسی برای شفای ایلعازر بسیار دیر به بیت عنیا رسیده است. بااینحال از آنجا که قاصدی که نزد عیسی فرستاده بودند احتمالاً آنچه را که عیسی درمورد ایلعاذر گفته بود – اینکه بیماری او تا به موت نخواهد بود - به گوش مرتا رسانده بود، مرتا هنوز در قلب خود کمابیش امید داشت که برادرش زنده شود. مرتا هنوز در ذهن خود این احتمال را می‌داد که ممکن است برادرش از مرگ برخیزانده شود. اما با توجه به اینکه یکی از اعضای نزدیك خانواده او درگذشته بود، دلش دچار کشمکشی عظیم بود. از يك طرف، با اینکه می‌دانست ایلعازر در روز قیامت از مردگان برخیزانده خواهد شد، از مرگ او در اندوه بود. ولی از طرف دیگر، به خاطر سخنی که عیسی به آن قاصد گفته بود، امیدوار بود که معجزه‌ای به وقوع بپیوندد. بدین ترتیب غم از دست دادن ایلعازر از يك سو و امید به زنده شدن او از سوی دیگر، در قلب مرتا با هم در کشمکش بودند.
پس از آن عیسی گفت: "هر که به من ایمان آورد اگر مرده باشد زنده گردد". آنچه عیسی گفت بسی ورای ایمان مرتا بود. در این جمله، فرد مسیحی در آستانه مرگ به تصویر کشیده می‌شود. کسی که به عیسی مسیح ایمان دارد، حتی اگر از نظر جسمانی بمیرد، از نظر روحانی زیست خواهد کرد. اگرچه بدن او باید بمیرد و به خاك بازگردد، روح او هیچوقت نخواهد مرد. روح او در حیات قیام کرده مسیح نصیب خواهد داشت و از حیات جاودان برخوردار خواهد شد، حیاتی که در آن مرگ مفهومی نخواهد داشت. بدن فرد مسیحی بهنگام مرگ به خاك باز می‌گردد، ولی روح او بلافاصله وارد حضور عیسی مسیح در آسمان می‌شود. بدن مرده او هیچ چیزی تجربه نمی‌کند، ولی روح زنده او حیات ابدی را در حضور مسیح تجربه خواهد کرد. حیات فانی يك فرد مسیحی باید با بدن جسمانی او به پایان رسد، ولی حیات ابدی او در روحش تا به ابد تداوم خواهد داشت.

پ) عیسی می‌فرماید: "هر که زنده است و به من ایمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد". در این جمله، فرد مسیحی در وضعیت قبل از مرگ، یعنی در زمانی که هنوز بر روی زمین زیست می‌کند، به تصویر کشیده شده است. هر که از نظر روحانی زیست کند و به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، هرگز مرگ ابدی را تجربه نخواهد کرد. بر طبق ٢ تسالونیکیان ١: ٩، "هلاکت یا مرگ

جاودانی" به مفهوم جدایی از حضور پرمحبت خدا در روح و بدن می‌باشد. ولی یك فرد مسیحی هیچوقت چنین چیزی را تجربه نخواهد کرد. بدن و روح او هیچوقت از حضور پرمحبت خدا جدا نخواهد شد. فرد مسیحی تا زمانیکه هنوز بر روی این زمین زندگی می‌کند، روح او حیات ابدی را تجربه خواهد کرد و بدن او از محبت و محافظت خدا بهره‌مند خواهد شد. وقتی بدن او مرگ جسمانی را تجربه کند، روح او بلافاصله وارد حضور قابل رؤیت خدا در آسمان می‌شود. و اگرچه بدن او در قبر نهاده می‌شود، خدا هرگز بدن او را ترك نخواهد کرد. بر طبق یوحنا ٥: ٢٥- ٢٩، عیسی مسیح در زمان بازگشت خود، بدنهای مردگان را برخواهد خیزانید. بر طبق فیلیپیان ٣: ٢١، او بدنهای فانی ما را طوری متبدل خواهد ساخت که به شباهت بدن پرجلال او در آیند. بر طبق اول قرنتیان ١٥: ٤٢- ٤٤، مسیحیان، از بدنهایی غیرفانی و پرجلال برخوردار خواهند شد.
**خلاصه:** در آیه ٢٥، عیسی وعده می‌دهد که روح یا جان یك فرد مسیحی هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد. و در آیه ٢٦، او وعده می‌دهد که حتی بدنهای مسیحیان هیچوقت جدایی ابدی از حضور خدا را تجربه نخواهد کرد. اگرچه یك مسیحی باید از نظر جسمانی بمیرد، ولی نه تنها روح او هرگز نخواهد مرد، بلکه بدن او نیز که در خاك نهاده شده است هیچوقت از حضور پرمحبت خدا جدا نخواهد شد.

**سؤال ٣)** (یوحنا ١١: ٤٧) <u>سنهدرین یا شورای عالی یهود چگونه شورایی بود؟</u>
**ملاحظات:** سنهدرین والاترین مجمع یا شورا در اسرائیل (متی ٥: ٢٢) و عالی‌ترین هیئت رهبری یهودیان در امپراطوری رم بود. این شورا در زمان مکابیان (در حدود ١٥٠ سال قبل از میلاد) تشکیل شد. محل شورای سنهدرین، شهر اورشلیم بود و اعضای آن را که تعدادشان به ٧١ نفر می‌رسید، کاهنان اعظم که اعضای مهمترین خانواده های کاهنین بودند، سران خانواده‌ها، کاتبان که در تفسیر کتب مقدسه یهودی تبحر داشتند، و معلمین یهود که سنت شفاهی را که بر شریعت مکتوب مبتنی بود برای مردم تفسیر می‌کردند تشکیل می‌دادند. ریاست شورا را کاهن اعظمی بر عهده داشت که در صدر شورا می‌نشست. شورای سنهدرین بر تمام امور مذهبی یهودیان، حتی یهودیانی که در کشورهای بیگانه زندگی می‌کردند، نظارت داشت.

**سؤال ٤)** (یوحنا ١١: ٤٩- ٥٢) <u>قیافا که بود؟</u>
**ملاحظات:** قیافا کاهن اعظم بود و از سال ١٨ تا ٣٦ میلادی ریاست شورای سنهدرین را نیز بر عهده داشت. او بدون اینکه خود متوجه باشد، در مورد عیسی مسیح چنین نبوت کرد که او باید در راه قوم خدا که ایمانداران جامعه یهود هستند بمیرد، و اینکه او فرزندان پراکنده خدا را که ایمانداران ملل غیر یهودی باشند، گرد هم جمع نموده، آنها را به یك ملت واحد تبدیل خواهد ساخت (یوحنا ١٠: ١٦؛ ١ پطرس ٢: ٩- ١٠).

**سؤال ٥)** (یوحنا ١١: ٤٧- ٥٣). <u>چگونه امکان دارد شخص شریری چون قیافا نبوت کند؟</u>
**ملاحظات:**
الف) <u>قصد و نیت قیافا.</u> قیافا گفت: "شما هیچ نمی‌دانید و فکر نمی‌کنید که به جهت ما مفید است که یك شخص در راه قوم بمیرد تا تمامی طایفه هلاك نگردند". او از این گفته به هیچ وجه قصد خوبی نداشت. منظور قیافا این بود که اگر مردم اسرائیل از عیسی پیروی کنند، در آن صورت سربازان رومی خواهند آمد و ملت یهود را قتل‌عام خواهند کرد. ولی اگر عیسی بمیرد، ملت یهود هلاك نخواهد شد و نجات خواهد یافت. قیافا با تظاهر به میهن پرستی سعی می‌کرد از دست عیسی که مانعی بر سر راه شهرت و جلال او بود، خلاصی یابد. ولی درست برعکس آنچه قیافا فکر می‌کرد اتفاق افتاد. یهودیان با کشتن عیسی در واقع حکم مجازات قوم خود را امضا کردند. رومی‌ها در سال ٧٠ میلادی آمدند و اورشلیم و معبد و ملت یهود را بکلی نابود ساختند. نقشه قیافا برای کشتن عیسی عملی شد، ولی نتیجه آن بر خلاف آرزویی بود که قیافا در سر داشت.

ب) <u>نبوت قیافا.</u> ولی چرا یوحنا در آیات ٥١- ٥٢ می‌فرماید که قیافا این سخن را از خود نگفت بلکه چون در آن سال رئیس کهنه بود، چنین نبوت کرد که عیسی باید در راه آن قوم بمیرد؟ یوحنا تعلیم می‌دهد که خدا بر تاریخ تسلط و اقتدار دارد. هیچ اتفاقی در تاریخ بشر بدون اجازه و حاکمیت خدا به وقوع نمی‌پیوندد (اشعیا ١٤: ٢٤، ٢٧). خدا بواسطه حاکمیت مطلق خود، کاری کرد که سخن قیافا مفهومی بس عمیقتر از آنچه خودش تصور می‌کرد، داشته باشد. قیافا بواسطه ماهیت منصب کهانت خود، بی‌اختیار در مورد حقیقتی نبوت کرد. در اوایل دوران عهدعتیق، کاهن اعظم اسرائیل اراده خدا را از طریق اوریم و تمیم اعلام می‌داشت (اعداد ٢٧: ٢١). در آن مقطع از زمان نیز خدا اجازه داده بود که قیافا در مورد او نبوت کند، هرچند خود او از درك آنچه نبوت می‌کرد عاجز بود. قیافا از بیان آن سخنان منظور خاصی در ذهن داشت، اما خدا معنای دیگری به گفته‌های او بخشید.
اگرچه قیافا و شورای یهود نقشه کشیدند تا عیسی را بکشند، خدا از مرگ عیسی جهت نجات مردم دنیا استفاده کرد. اگرچه قصد قیافا از کشتن عیسی نیکو نبود و او بخاطر آن سخنان شرارت‌آمیز خود به خدا حساب پس خواهد داد، اما خدا از قصد بد او برای هدفی پرجلال استفاده کرد. این قسمت از کتابمقدس هم بیانگر حاکمیت خدا بر امور است و هم نشاندهنده مسؤولیتی که متوجه خود انسان است. قیافا آزاد بود که هر چه در قلبش است بازگو کند و این کار را انجام داد، ولی از طرف دیگر خدا بر اساس حاکمیت و اراده خود سخنان شرارت آمیز او را به گونه‌ای هدایت کرد که در نهایت نقشه نجات او برای انسانها جامه عمل پوشید. قیافای شریر بدون اینکه خود متوجه باشد، مانند یك نبی نبوت کرد. درست همانگونه که در عهد عتیق خدا از طریق بلعام که یك نبی شریر بود صحبت کرد (اعداد ٢٣)، اکنون نیز از طریق قیافا که یك کاهن اعظم شریر بود، سخن می‌گفت.

**سؤال ٦)** (یوحنا ۱۱: ۵۱- ۵۲). آیا عیسی فقط برای قوم یهود مرد؟
**ملاحظات:** خیر، این قسمت می‌فرماید: "عیسی نه تنها باید در راه قوم یهود بمیرد، بلکه در راه فرزندان پراکنده خدا". قیافا اصطلاح "ملت اسرائیل" را در مفهومی سیاسی بکار برد، در حالیکه یوحنا آن را در مفهومی روحانی به معنای "فرزندان خدا" بکار می‌برد.
بر طبق یوحنا ۱: ۱۲- ۱۳، "فرزندان خدا" کسانی هستند که به عیسی مسیح ایمان دارند (یا تولد تازه یافته‌اند).
عیسی در راه دو گروه از مردم جان سپرد: اولاً برای "فرزندان خدا که به قوم یهود تعلق دارند"، و ثانیاً برای "فرزندان خدا که در نقاط مختلف دنیا پراکنده هستند". گروه دوم را غیر یهودیان تشکیل می‌دهند. یوحنا در اینجا آنچه را که عیسی در یوحنا ۱۰: ۱٦ گفته بود، تکرار می‌کند. عیسی می‌خواست گوسفندان دیگر خود را نیز که متعلق به گله غیر یهود می‌باشند بیاورد و در کنار گوسفندانی قرار دهد که به گله یهود تعلق دارند، و آنها را به صورت گله‌ای واحد شبانی کند. عیسی این ایده را مجدداً در یوحنا ۱۲: ۳۲ نیز تکرار می‌کند و می‌فرماید: "وقتی که من از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید".

**سؤال ۷)** (یوحنا ۱۱: ۵۵) یوحنا به کدام عید فصح یهود اشاره می‌کرد؟
**ملاحظات:** عید فصح یهود یادآور خروج یهودیان از مصر تحت رهبری موسی بود. یوحنا در دوران خدمت زمینی عیسی به سه عید فصح یهودی اشاره می‌کند: نخست، عید فصح مربوط به آوریل سال ۲۸ میلادی (یوحنا ۲: ۱۳، ۲۳)، دوم عید فصح مربوط به آوریل سال ۲۹ میلادی (یوحنا ٦: ٤)، و سوم عید فصح مربوط به آوریل سال ۳۰ میلاد (یوحنا ۱۱: ۵۵؛ ۱۲: ۱؛ ۱۳: ۱؛ ۱۹: ۳۱). سه انجیل دیگر تنها به سومین عید فصح اشاره می‌کنند.

**قدم ٤: بکار ببرید**
**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
**درمیان بگذارید و بنویسید:** افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ تهیه کنید.
**توجه کنید:** خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
**بنویسید:** این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

**نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۱)**

- ۱۱: ٤ * این موضوع را درك کنید که اگرچه ریشه و عامل اصلی بیماری، وجود گناه در جهان است، برخی از بیماریها ممکن است برای این باشد که خدا جلال پیدا کند.
- ۱۱: ٦ * از این حقیقت آگاه باشید که اعتماد واقعی به خدا گاه ممکن است مستلزم آن باشد که بجای آنکه عجولانه دست به کاری بزنیم، صبر کنیم و منتظر باشیم تا خدا به ما نشان دهد چه زمانی باید وارد عمل شویم.
- ۱۱: ۲۰- ۲۷ * در لوقا ۱۰: ۳۸- ٤۲ می‌بینیم که مرتا به جای اینکه کنار پایهای عیسی بنشیند و به سخنان او گوش دهد، مشغول کار و فعالیت است. اما او در یوحنا ۱۱: ۲۰- ۲۷ به سرعت نزد عیسی می‌رود تا به سخنان او گوش دهد. اگر مرتا در این زمینه تغییر کرد، برای شما نیز امید هست و می‌توانید در این زمینه عوض شوید.
- ۱۱: ۲۵ * اگرچه بدن فیزیکی یك ایماندار خواهد مرد، جان یا روح او هرگز نخواهد مرد، بلکه در حضور عیسی مسیح زیست خواهد کرد. در روز قیامت، بدن او نیز برخیزانده خواهد شد و به بدنی غیرفانی مبدل خواهد گشت.
- ۱۱: ۲٦ * اگرچه بدن فیزیکی فرد ایماندار خواهد مرد، روح و بدن او پس از برخیزانده شدن هرگز نخواهد مرد. به عبارت دیگر، روح و بدن فرد ایماندار به جهنم افکنده نخواهد شد.
- ۱۱: ۳۳- ۳۵ * مسیحیان نیز باید مانند عیسی مسیح از گناه که باعث تمام غمها و سختیها است به خشم آیند، ولی از طرف دیگر باید همچون او نسبت به مردم رنجدیده حس همدردی داشته باشند.
- ۱۱: ٤۷- ٤۸ * این موضوع را درك کنید که برخی از مذهبیون بیشتر به فکر کسب قدرت و منفعت سیاسی هستند تا به فکر عدالت و ملکوت خدا.

**نمونه‌های از کاربردهای شخصی**

الف) من می‌خواهم بیشتر شبیه مسیح شوم. وقتی که عیسی انسانهایی را که در رنج و غم بودند می‌دید، به شدت در روح خود مکدر می‌شد و آثار این آشفتگی و تلاطم حتی در ظاهر او نیز نمایان بود. عیسی از گناه به عنوان آنچه عامل تمام رنجها و غمهای بشر است خشمگین بود، ولی در عین حال با خود انسانهای رنجدیده همدردی می‌کرد. من نیز مایلم مانند عیسی عمل کنم: می‌خواهم از گناه خشمگین باشم ولی با انسانهایی که در نتیجه عواقب گناه رنج می‌کشند، همدردی کنم.

ب) من می‌خواهم از هر روز زندگی‌ام به بهترین وجه استفاده کنم. خدا برای زندگی در این دنیا مدت زمان مشخصی به من عطا کرده و وظایف بخصوصی را به من سپرده است. تا زمانیکه من در نور نقشه خدا زندگی کنم، نباید از هیچ شخص یا شرایطی ترسان باشم. مشکلات و سختیهایی هیچگاه نخواهد توانست مرا از پای درآورد و مغلوب سازد. من می‌خواهم وظایفی را که خدا بر روی این زمین به من محول کرده است به انجام برسانم و ایمان دارم که خدا بر تمام انسانها، شرایط و اتفاقات احاطه کامل دارد.

**قدم ٥: دعا کنید**

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ١١: ١- ٥٧ آشکار کرده است، دعا کنیم.

(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

| ٥ | **دعا (٨ دقیقه)**<br>**دعای شفاعت** |
|---|---|

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

| ٦ | **تکلیف منزل (٢ دقیقه)**<br>**برای درس بعدی** |
|---|---|

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " انجیل یوحنا فصل ١١ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ٨: ١- ١١: ٢٨ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت و اطاعت: تیطس ٢: ٤- ٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.